

شعر جنگ، ویژگی‌های کلی و چگونگی تلفیق حماسه و غنا در آن

□ دکتر منوچهر اکبری (استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران)
□ حسین رئیسی (دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران)

چکیده

روز آخر شهریور ۱۳۵۹ عراق ناجوانمردانه و به امید پیروزی آسان و سریع به خاک ایران حمله آورد. مردم ایران برای مقابله با این هجوم به مناطق مرزی جنوب و غرب کشور شتافتند و با وجود کمبود امکانات و با تکیه بر نیروی ایمان در برابر این تجاوز ایستادگی کردند و با نثار جان و مال خود صحنه‌هایی بدیع و شگفت از ایثار و پاکبازی و فداکاری خلق کردند. شاعران برای توصیف و تصویر این لحظات ناب به میدان آمدند و از تمام توانایی خود و ظرفیت شعر فارسی بهره گرفتند. بررسی چگونگی تأثیرپذیری شاعران از جنگ و دفاع مقدس و نقد و تحلیل محتوا و عاطفه و تصاویر اشعار جنگ از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و با توجه به بی سابقه بودن ادبیات پایداری در ایران ضرورت تام دارد.

در این نوشتار تلاش شده تا ضمن ارزیابی زمینه‌های پیدایش شعر جنگ و دفاع مقدس،

رابطهٔ محتوا، عاطفه و زبان این نوع شعر را با جنگ بررسی نماید. ضمناً چون یکی از مهمترین ویژگی‌های شعر مربوط به جنگ، بهره‌گیری از عنصر اغراق در ساخت تصاویر و توصیف جانفشانی قهرمانان جنگ است، اغراق در شعر چهار تن از شاعران مطرح دفاع مقدس ارزیابی و نقد شده است.

کلید واژه: شعر جنگ، زبان، عاطفه، محتوا، اغراق

جنگ و دفاع مقدس، آغازی برای آفرینش تصاویر ناب

ایران در حال و هوای پیروزی دلنشین و در اندیشه روزها و سالهای آرام، همراه با سعادت و پیشرفت سر به بالش آرامش نهاده است که غرّش «عقابهای آهنین» خواب را بر او آشفته کرد. عقربی جرّاره که در همسایگی او زندگی می‌کرد در خیالی کودکانه و از سرمستی و غرور نیش زهرآلود خود را آماده کرد تا تمام هستی این ملت مقاوم را نابود کند. چنان سریع و ناگهانی نیش خود را فرو می‌کند با این توهم که تا ایران به خود آید زهر، کار او را بسازد اما...

همهٔ تدبیرها آماده شده تا نهار روز سوم به میزبانی فرمانده جنگ - صدام حسین - صرف شود^(۱) اما تقدیرها چیز دیگری می‌گفتند.

«باید رستم از زابل بیاید و گرنه کس را یارای مبارزه با این جوان تورانی نیست.» جانمایهٔ

کلام پهلوانان ایرانی شاهنامه است در هنگام هجوم سهراب به ایران.

چه سازیم و درمان این کار چیست وز ایران هم‌آورد این مرد کیست؟

بر آن بر نهاده یکسر که گیو به زابل شود نزد سالار نیو^(۲)

اما این بار نه یک رستم که هزاران رستم از هر گوشه و کناری برمی‌خیزند و مقاومتی جانانه و مقدس شکل می‌گیرد. مقاومتی که برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه‌اش هشت سال به می‌انجامد و یکی از درخشانترین دوره‌ها در طول تاریخ کهن ایران به ثبت می‌رسد. هشت سالی که هیچ‌گاه از ذهن ایران و ایرانی پاک نخواهد شد.

هشت سال ایمان، هشت سال حماسه، هشت سال عشق، هشت سال عرفان، هشت سال

مردانگی، هشت سال شرف، هشت سال افتخار، هشت سال خون و باروت و گلوله و آتش، هشت سال شور و سرمستی، هشت سال دلدادگی و جانبازی، هشت سال پرواز باشکوه، هشت سال عروج دلنشین و هشت سال...

مادران «آب و آینه و قرآن در دست»، با چشمانی که به چشمه‌هایی زلال بدل شده بودند، بوسه بر پیشانی فرزندان دل‌بند خویش نهادند و آنان را روانه کوی ایثار و جوانمردی کردند و پدران با وجود تاکید گی‌شانه، برای کامیابی نوباودگان خویش قرآن خواندند و دعا کردند. پدر و پسر پشت به پشت یکدیگر، برادر و برادر دوش به دوش هم، سنگرهای جهاد و شهادت را با خون پاک و معطر خویش عطر آگین ساختند و در حجله خون معشوق را در آغوش کشیدند.

برای به تصویر کشیدن این حماسه عظیم و مقدس، یک فردوسی کافی نیست؛ هزاران رستم آمده‌اند و هزاران فردوسی باید بیایند. نه برای سرودن نامه شاهان، بل برای تصویر چهره شیران. حماسه‌ای به پهنای ایران گسترش یافت و عرفان از گوشه خانقاهها به سنگرهای جهاد و شهادت نقل مکان کرد. «عرفان در شعر انقلاب، در مبارزه با طاغوت و در میدان آتش و گلوله و خون و در سنگرها و جبهه‌های نور در برابر ظلمت رقم خورده است و عارفان و سالکان طریق، این عرفان را آگاهانه انتخاب کرده در گردان‌های منتظر شهادت یا در تیپ‌های مین‌پیمای شهادت طلب، ثبت نام کرده‌اند، عزیزانی که طیران مرغ جانشان را تا باغ ملکوت لحظه‌شماری کرده‌اند. عارفان شعر انقلاب «فهمیده»هایی هستند که معادله جدید تن و تانک را خلق کرده‌اند.»^(۳) عشق و حماسه و عرفان پیوندی ناگسستنی برقرار کردند و دست به دست یکدیگر دادند و تصویری ناب از دلدادگی و شور و شوق آفریده‌اند. چله نشینی در سنگر، فتوحی جز خمپاره و گلوله و آتش ندارد و غایتی جز در آغوش کشیدن شاهد زیباروی شهادت.

مقاومت نزد ایرانیان پیشینه‌ای طولانی دارد. برخی به طمع حکومت بر ایرانیان و یا به قصد نابودی فرهنگ و عظمت این قوم متمدن و بافرهنگ، ایران را آماج تاخت و تاز خود قرار داده‌اند. پاره‌هایی بزرگ از این پیکر عزیز، جدا شده اما هیچ کس نتوانسته است عظمت و فرهنگ او را به سیطره خویش درآورد ولی اندوه آن تعدیها و خونریزیها و دردمندیها در ذهن و زبان و روح

ایرانیان باقی مانده و در نوشته‌ها و سروده‌های آنان تجلی یافته‌است. «وجود لایه‌هایی از غم و اندوه و شکایت و دردمندی، که در آثار شاعران مشرق زمین دیده می‌شود را نمی‌توان تنها یک مسأله عارضی یا مورثی پنداشت... با احتمال به قوت می‌توان چنین استنباط کرد که این منطقه از جهان در رهگذر تاریخ محلّ تاخت و تاز بیگانگانی بوده است که هراز گاه با شمشیرهای آخته بر آن تاخته‌اند... و کشتار زنان و مردان بی‌دفاع و به کام آتش کشیدن موجودیت‌شان - آن هم در دفعات مکرر - داغی است سنگین که شکل گرفته و در آثار هنری و ادبی این منطقه از جهان، انعکاس یافته و استمرار پیدا کرده است.»^(۴) گرچه شاعرانی در طول تاریخ تصویرگر رشادت‌ها و جانفشانی‌ها و مظلومیت‌های ایرانیان بوده‌اند^(۵) اما در هیچ دوره‌ای ادبیات جنگ و پایداری به عنوان یک نوع ادبی خاص با ویژگی‌های سبک‌شناسانه منحصر به خویش مطرح نبوده‌است. برای اولین بار شعر جنگ به هویتی مستقل دست یافت و جای پای در شعر فارسی پیدا کرد. جوانان حماسی، پرشور و متعهد و مؤمن بدون هیچ‌الگوی عملی از شعر جنگ مردانه کمر همت بستند. کوله‌بارشان را بر پشت نهادند و بند پوتینشان را محکم گره زدند و برای اولین بار در تاریخ دیرسال شعر فارسی مبدع طریقی شدند که از همان آغاز «شعر جنگ» و «ادبیات پایداری» نام گرفت. برخی سالخوردگان نیز همراه این قافله شدند. کاری کردند کارستان. کاری «سهل ممتنع». «برخلاف شایع از جنگ سرودن یا شعر جنگ گفتن کار ساده‌ای نیست. به‌ویژه این که در گونه‌های ادبی ایران و میراث گذشته - بجز شاهنامه که بخش اصلی آن به حوزه اساطیر متعلق است - نمونه و الگویی ارزشمند از «شعر جنگ وجود ندارد تا سرمشق معاصران قرار بگیرد.»^(۶)

با شروع جنگ تحمیلی، دفاع مقدس مردم شریف ایران نیز آغاز شد و جلوه‌هایی ناب از حماسه و عشق و عرفان تجلی یافت. جانبازی‌ها، ایثارگری‌ها و شهادت فرزندان دوست‌داشتنی ایران، بهترین فرصت را فراهم آورد تا شاعران متعهد با سلاح برنده شعر پا به پای رزمندگان و ایثارگران در این دفاع مقدس شرکت نمایند. پشتوانه پربار فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی، عمق ایمان و ارادت قلبی شاعران به حماسه دفاع مقدس، تنوع حوادث و رویدادها، جذّابیت و زیبایی تابلوهای خلق‌شده ایثار و فداکاری به دست رزمندگان به شاعران توان و فرصت داد تا در بازنمایی





تصویر این حماسه‌ها و رشادت‌ها نهایت ذوق و استعداد خود را به کار برند و حاصل آن اشعاری شد که بیانی رسا، تصاویری بدیع، مضامینی عمیق و واقعی و زبانی استوار داشتند و سرشار از شور و طراوت و پویایی و تحرک بخشی بودند. حساب شعار از شعر جداست که هر یک در جای خود مفید بلکه لازمند.

ویژگیهای کلی شعر جنگ

از لحاظ زمانی شعر جنگ را باید به دو دوره کاملاً متمایز تقسیم کرد:

۱- اشعاری که در زمان جنگ سروده شده‌اند (از شهریور ۵۹ تا قبول قطعنامه ۵۹۸ در سال

۶۷).

۲- اشعاری که پس از جنگ سروده شده‌اند (پس از قبول قطعنامه ۵۹۸).

مرحوم سیدحسن حسینی اشعار دوره اول را شعر جنگ و اشعار دوره دوم را شعر دفاع

مقدس می‌نامد و از هر یک تعریف جداگانه‌ای دارد: «مجموعه سروده‌هایی را که... درونمایه اصلی

آنها تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه مذهبی - ملی برای حفظ وطن است شعر جنگ می‌نامیم.^(۷) وی معتقد است جنگ ماهیتی سیاسی دارد اما توده مردم به سرشت سیاسی جنگ قبل از شروع مذاکره توجهی ندارند. پس از جنگ مردم به سرشت سیاسی جنگ توجه پیدا کردند و همین توجه باعث شکل‌گیری شعری شد که تفاوت‌های بارزی با شعر جنگ دارد. بر همین اساس «سروده‌هایی که از این زمان به بعد [قبول قطعنامه ۵۹۸] با ویژگی تشویق و تکریم «دوست» و تحقیر و تهدید «دشمن» و همچنین انتقاد از خود و دیگران و انتقاد از برخی کارگردانان جنگ شکل گرفته و می‌گیرد به دوره سیاسی جنگ یعنی دوره دفاع مقدس تعلق دارد.^(۸) این تقسیم‌بندی از لحاظ محتوا در خور توجه و قابل اعتناست ولی چون در سطح عموم هنوز مطرح و پذیرفته نیست، از آن صرف‌نظر می‌کنیم. ما شعر جنگ و دفاع مقدس را اشعاری می‌دانیم که در بازه زمانی خاص یعنی از شروع جنگ (شهریور ۱۳۵۹ تاکنون) درباره کلیه مسائل مربوط به پایداری و مقاومت ایرانیان علیه رژیم عراق سروده شده‌اند.

وقایع و اتفاقات هر دوره بر شعر کاملاً تأثیرگذار است. شاعران در زمان جنگ برای عقب‌نماندن از سیر سریع تحولات، انتقال لحظه‌های ناب حماسه فرزندان ایران به مردم در قالب شعر و تهییج بیشتر رزمندگان نه فرصتی برای پرداختن به فنون شعری دارند و نه انگیزه‌ای برای این کار. «حالت شاعر در سرودن این گونه اشعار، حالت رزمنده‌ای است که تنها برای لحظه‌ای کوتاه سر از سنگر به در می‌آورد و تیرهایی را به سمت دشمن شلیک می‌کند و سپس به سرعت به سر جای خویش بر می‌گردد، یا چون جنگنده‌ای که می‌خواهد در زیر آتش باری مداوم دشمن برای خویش سنگری تهیه کند تا برای لحظه‌ای هم که شده در آن پناه گیرد، سنگری که می‌داند هر آن ممکن است آن را ترک گوید و در جایی دیگر سنگری بسازد، طبیعی است که او چندان به شکل و شمایل و نوع مهندسی و معماری سنگر خویش نیندیشد. از این رو، اگر شاعر این جریان در اوج شور و حرارت آن سالهای بحرانی چندان به شکل شعر خویش توجه نداشته باشد، چندان دور از انتظار نیست. او می‌بایست حرف‌هایش را سریع، بریده بریده، بی‌شکل و با حالتی خشن و پرخاش گونه بر زبان آورد.»^(۹) با فروکش کردن آتش جنگ، حال و هوا نیز تغییر می‌یابد. شاعران، دیگر



آن شتاب پیشین را ندارند و می‌توانند با فراغ بال شعر بسرایند و به اندیشه، ایماژها و صور خیال اشعارشان عمق و طراوت ببخشند. «هرچه زمان می‌گذرد و هیجان‌های جامعه فرو می‌نشیند، شعر نیز آرام‌تر می‌شود، بیشتر در خود فرو می‌رود و شکل هنری به خود می‌گیرد.»^(۱۰) این ویژگی منحصر به دفاع مقدس ایران نیست. در تمامی دوره‌هایی که شاعران با تحولاتی سریع و غیرقابل پیش‌بینی مواجه شوند، چنین حالتی برای شعر پدید می‌آید؛ یعنی اشعار بیشتر شعارگونه هستند تا شعر ناب. «در دوره‌های شورش، آشفتگی، و انقلاب سیاسی-اجتماعی، علی‌رغم پدید آمدن فضا و انگیزه‌های تغییر، فرصت چندانی برای ریشه دواندن، رشد و کمال تحولات عمیق فرهنگی و ادبی نیست. درست است که جرعه بسیاری از تحولات فرهنگی در این دوره زده می‌شود، اما غالباً فرصت به بار نشستن و ثمر دادن این تحولات در زمان‌های آرامش و سکون پس از آن فراهم می‌آید.»^(۱۱) تفاوت اشعار دو مرحله هم در زبان مشهود است، هم در گزینش واژه‌ها، هم عاطفه جاری در شعر، هم در محتوا و هم در ایماژها و تصاویر شاعرانه. شعر در دوران جنب و جوش و تلاطم، شعری برون‌گرا و شعارگونه است و کم‌کم شعر درون‌گرا و نمادین می‌شود. برای تمام شاعران جنگ مهم‌ترین مسئله، توصیف حالات عرفانی و ملکوتی شهدا و رزمندگان اسلام است. آنان از همه ظرفیتهای شعر و استعداد و توانایی خویش کمک می‌گیرند تا به این هدف مهم نایل شوند. درست است که شهادت فقط یکی از جنبه‌های مهم جنگ است اما برای شاعران دفاع مقدس محور همه موضوعات واقع می‌شود.

زبان

شاعران در دوره اول، برای یافتن واژه خود را به زحمت نمی‌اندازند. هدف آنان القای پیامی صریح و روشن است: جنگ، جنگ تا پیروزی.^(۱۲) برای رسیدن به این هدف، شاعر از ساده‌ترین، آماده‌ترین و مؤثرترین امکانات در دسترس خود بهره می‌برد. واژه‌ها و اصطلاحات، غالباً ساده، همه کس فهم، دارای بار ارزشی فراوان، روان و در بسیاری از موارد تکراری است. شعر می‌خواهد در ذهن و زبان خواننده و شنونده رسوخ کند و او را برای ادامه راه برانگیزاند. مخاطبین شعر نیز

مردم عادی کوچه و بازار هستند، بنابراین با زبان آنان باید سخن گفت.

اما در دوره دوم شاعران در انتخاب واژه‌ها و سواص بیشتری به خرج می‌دهند. باستانگرایی که در اشعار دوره اول دیده می‌شود و لازمه شعر حماسی است، در دوره دوم کمتر دیده می‌شود و در مجموع زبان شعر نرمتر و رامتر است. «زبان شعر جنگ در آغاز، زبانی تند و برانگیزاننده و در میانه، نرم و عمیق تر است. شعار گونگی و صراحت در بیان در سالهای بعد از ۱۳۶۴ به سمت نمادها، حرکتی محسوس دارد و به همین دلیل زبان شعر دفاع مقدس رو به پختگی و ساختگی بیشتر می‌گذارد... زبان موفق شاعران غزل‌سرا چون قیصر امین پور، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی، زکریا اخلاقی و... از بارزترین و درخشان‌ترین تجربه‌های شعری این دوره به شمار می‌آیند.»^(۱۳)

از لحاظ استخدام واژه در این دوره باید گفت که به غیر از واژه‌های عمومی در حوزه ادبیات غنایی و عرفانی و فرهنگ اسلامی، اسامی ابزارها، ادوات و مناطق جنگی، عملیاتها، فرماندهان، شهدا و... از بسامد بالایی برخوردارند.

از لحاظ زمینه‌های صور خیال، شاعران از انواع زمینه‌ها و ابزارهای بیانی (تشبیه، استعاره، کنایه، نماد و سمبل، اغراق، حسامیزی، تناقض و...) بهره می‌گیرند و تصاویر زیبایی درباره این حماسه خلق کرده‌اند.

عاطفه و محتوا

از لحاظ حضور عنصر عاطفه و احساس، اشعار دوره اول بار عاطفی زیادی دارند. البته عاطفه موجود در شعر این دوره مانع حماسی بودن اشعار نشده است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد شعر این دوره تلفیق غنا و حماسه است.

میان معرکه لبخند می‌زنید به عشق

حماسه چون به غزل ختم می‌شود زیباست (سهیل محمودی)

بدیهی است که شعر جنگ با توجه به حس و حال ویژه‌اش یکسری محتوای اختصاصی





داشته باشد. از لحاظ محتوایی تفاوت‌هایی میان شعر شاعران زمان جنگ و پس از آن دیده می‌شود. شاعران در زمان جنگ تنها ایثار گریها، فداکاریها و حضور عاشقانه، عارفانه و حماسی اکثریت مردم را برای پیروزی در جنگ می‌بینند و در اشعار خویش آنها را منعکس می‌کنند (اشعار حماسی و عرفانی) و عمق اندوه خویش را از وقایع غمبار جنگ پنهان می‌نمایند. این گروه برای تشویق رزمندگان و روحیه دادن به آنان و خانواده‌هایشان تنها به بیان رشادتها و ارائه تصویری پیروزمندانه از صحنه‌های نبرد می‌پردازند. از سوی دیگر صحنه‌های ایثار و شهادت خلق شده به دست رزمندگان و عرفان خالص و معنویت محض شهدا و ایثارگران و درعین حال مظلومیت آنان فرصتی برای پرداختن به موضوعات دیگر به شاعران نمی‌داد. شاعران در این دوره به توصیف و تصویر صحنه‌هایی بدیع می‌پردازند که خود به چشم خویشان مشاهده می‌کنند. تصویر به خاک و خون غلتیدن کسی که او را می‌شناسند و دوستش دارند، کار سختی نیست. در این شرایط شاعر نیازی به کوشش ندارد و جوشش احساس و عاطفه به او کمک می‌کند تا شعر خود را از سطحی

نازل به درجه‌ای عالی و فاخر ارتقا دهد. رابطه عمیق خویشاوندی یا دوستی با شهیدان باعث می‌شود که شعر برخاسته از عمق دل باشد و بی‌درنگ با همه وجود بر دل مخاطب بنشیند.

قسمت اعظم دلم را ببرد آنکه آب از گلی آتش خورد
در حضور نگاه صد خورشید عشق آمد برادرم را ببرد
آن که داغ دلش شقایق وار صبح گاهان شکفته شد پژمرد
دست آن کس بریده باد که صبح دل آینه را شکست آزد
در غمت ای همیشه خون آلود بعد از این خنده روی لبها مرد^(۱۴)

در دوره دوم در سایه شرایط اجتماعی و رفاهی به وجود آمده، به روی دیگر سکه جنگ یعنی شهدا، جراحها، اسارتها، ویرانگریها و به حاشیه کشاندن آفرینشگران حماسه دفاع مقدس نیز توجه کردند و حاصل این تغییرنگرش، تغییر در محتوا و عاطفه موجود در اشعار بود. در دوره دوم دیگر از آن روحیه حماسی با آن شدت و حدت خبری نیست. اشعار پس از جنگ بیشتر برای یادبود شهدا و تجلیل از ایثارگرها سروده شده است. این اشعار عاطفی همراه با سوگ و اندوه از دست دادن عزیزان است.

بیشترین اعتراض و انتقاد از خود و دیگران - بخصوص مرفهان بی‌درد و برخی از متولیان امور فرهنگی - در شعر جنگ فراوان دیده می‌شود. در سالهای جنگ که کمبود ارزاق عمومی در کشور بیداد می‌کرد، عده‌ای محترک در پی آشامیدن خون مردم جنگ زده بودند. سلمان هراتی در شعری به نام «یک قلم ناسزا به محترک، قربتاً الی الله» علیه این گروه فریاد می‌زند:

امسال سال موش است
سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی
و نیرنگ را
در محضر موش اعظم تلمذ کردی
دلت مثل پستو تاریک است
می دانم
و واحدهای درس «نداریم» را
تمام کرده‌ای
الهی اصلاً نداشته باشی^(۱۵)

حسرت عمیق به خاطر دورماندن از قافلهٔ شهادت، همدردی با خانوادهٔ شهدا و ایثارگران، پرداختن به درد و رنج کشندهٔ جانبازان به ویژه جانبازان شیمیایی به خوبی در شعر این دوره انعکاس یافته است. (اشعار عرفانی - درام)

سنگین شد ای دل، دل من، بارگناه من و تو
صبح آمد اما نشد صبح، شام سیاه من و تو
فردا که گل زخمها را عشاق شاهد بگیرند
وا حسرتا نیست زخمی آنک گواه من و تو

(ساعد باقری)

قزوه در تصاویری زیبا و تکان دهنده، مشکلات جانبازان شیمیایی را در معرض تماشای مخاطب قرار می دهد. بیان ارزش کار جانبازان به همراه انتقاد شدید مهمترین ویژگی شعر است:

ماهپای سرخ عاشق، توی حوضی از اسیدن
دلشون یه دریا درده، کی می دونه چی کشیدن؟!
هدهد سبا شدیم و هفت شهر عشقو گشتیم
ما نفس کم نیاوردیم، معلومه کیا بریدن!
سینه آتیش خلیله، این جا عشقه که دليلة
ببین این دلای عاشق، چه بهشتی آفریدن!
بچه های خط دوم، سرشون به خاکه، اما
بچه های خط اول، آسمونو سرکشیدن
فکر اون گلای سرخم که سرارو خم نکردن
می میرن ولی نمی گن که گلوшонو بریدن
لاله ها کی گفته تنها، همونایی ان که رفتن؟
اینایی که سرشکسته ن، مگه کمتر از شهیدن؟^(۱۶)

امتزاج حماسه و غنا در شعر جنگ

وقتی از جنگ و پایمردی و پایداری سخن گفته می شود همه انتظار دارند که اشعار مربوط به آن نیز از لحاظ اندیشه، محتوا، عاطفه و تصاویر موجود در شعر حماسی باشد؛ تصاویری اغراق آمیز با قهرمانانی شجاع و دلاور که کارشان فقط انجام کارهای خارق العاده و کشت و کشتار است. در صورتی که در شعر جنگ و دفاع مقدس اصلاً چنین چیزی موضوعیت ندارد.

قهرمانانی از گوشه و کنار ایران برخاسته‌اند تا ضمن دفاع از کیان و دین و شرف خود اوج عرفان و عشق ورزی را نیز به نمایش گذارند. آنان در پی جنگ نیستند، حتی به شدت از آن متنفرند ولی در مقابل دشمن نیز زانوی دناوت بر زمین نمی‌زنند بلکه تا پای جان می‌ایستند. شاعران جنگ با چنین قهرمانانی روبرو هستند. از این رو باید بتوانند ضمن نشان دادن اوج شجاعت رزمندگان، عمق معنویت و اخلاص و پاکی آنان را نیز نمایش دهند. بهترین کار برای نیل به این منظور امتزاج حماسه و غناست.

برای رسیدن به درک و دریافتی روشن و شفاف از تلفیق و امتزاج غنا و حماسه بهتر است به بررسی مهمترین ابزار آفرینش فضای حماسی یعنی اغراق پردازیم. «اغراق» بهترین فرصت برای آفرینش فضایی حماسی سرشار از دلاوری و جنگ‌آوری و فداکاری است. همه مردم دوست دارند، چه در میدان خیال و چه در آوردگاه واقع، پهلوانانی پیروز و سرافراز داشته باشند. «آنچه مسلم است این است که عنصر اغراق در کنار دیگر صور خیال، یکی از نیرومندترین عناصر القاء در اسلوب بیان هنری است و زمینه کلی و عمومی بسیاری از شاهکارهای ادب فارسی، به خصوص شاهنامه فردوسی را تشکیل می‌دهد و... فردوسی با توجه به نقش عظیم اغراق در بیان حماسی توانسته در سطحی از هنر قرار گیرد که دیگر شاعران... هرگز نوانسته‌اند خود را به پایگاه او نزدیک کنند.»^(۱۷) شاعران جنگ برای آفرینش فضای حماسی از عناصر بزرگ جهان هستی کمک می‌گیرند و به طرز شگفت‌انگیزی شعر خویش را از حضور پهلوانان حماسی ایرانی به ویژه پهلوانان بزرگ شاهنامه تهی ساخته‌اند. عناصری که به تنهایی اغراق آمیز نیستند و به دلیل قرار گرفتن در فضای خاص شعر حالت اغراقی پیدا می‌کنند.

برای اثبات مدعای فوق، در ادامه شیوه‌های ساخت و عناصر سازنده اغراقهای چهار شاعر مطرح جنگ را ارزیابی می‌نماییم.

در میان شاعران جنگ، نصرالله مردانی شاعری است که به آفرینش غزلهای حماسی مشهور است. اغراقهای او یادآور فضای حماسی شاهنامه است ولی هیچ کدام از پهلوانان در آفرینش آنها نقش ندارند. عناصر سازنده اغراق ترکیبی از دو عنصری است که به تنهایی اغراق آمیز نیستند ولی



با قرار گرفتن در کنار یکدیگر و تشکیل ترکیب تصویری اغراق آمیز می آفرینند.

به این تصاویر اغراق آمیز مردانی دقت کنید:

ای یلان صف شکن اسطوره شد ایمانتان
کوه آهن آب شد در عرصه پیکرتان. ۷
پیرتان گوید اگر از کوه آتش بگذرید
بگذرید ای امت بیدار دل با سر به پیش. ۱۸
سد فولادین دشمن با هجوم ما شکست
کوه آهن می شکافت تیزی شمشیر ما. ۳۱
بیوش جوشن آتش به تن سوار فلک
که در مصاف خسان، چون شراره باید رفت. ۱۰^(۱۸)

چنین شاعری، اوج عشق ورزی و پاکبازی را در این می بیند که چون لاله، پیراهنی از شعله

به تن بدوزد:

چون لاله به صحرای جنون با تب عشقت
پیراهنی از شعله به تن دوخته بودم. ۷۹۰^(۱۹)

فضای بیت فوق کاملاً غنایی آغاز می شود و ادامه می یابد ولی ناگهان رویکردی حماسی به

خود می گیرد.

سیدحسن حسینی یکی دیگر از شاعران مشهور جنگ است. حسینی بیش از آنکه در پی نشان دادن بخش خشن و سهمناک جنگ باشد، می خواهد عمق عظمت روحی رزمندگان را به تصویر کشد. مشاهده تصاویری دلخراش از به خاک و خون کشیده شدن عزیزان به شدت روح حساس شاعر را آزرده می کند. خورشید و فلق نیز نمی توانند تأثر و اندوه خویش را پنهان کنند. تأثیر این آزرده‌گی را در تصاویری از این دست می توان دید:

در کنار شطی از خون / جنون والا را // به تفسیر در خون خفتی ۷
و کارون / در رگان پیشانی / جوشید ۶۷

خورشید سحر سرشک خون می بارید
یک کرب و بلا ستاره پرپر شده بود ۱۵۲
شمرنده خون دل او گشت فلک
سرخ شفق زگونه اش وام گرفت ۱۳۱

خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره گون شقیقه ات / اقتدا می کند /
و هر پگاه / نام تو را / چونان سلام سرخ نمازش / ادا می کند ۶۸

اوج حماسه و رادمردی رزمندگان اسلام از نگاه شاعر، روشنگری آنان است. بسامد زیاد «خورشید» در اشعار حسینی در تصاویر اغراق آمیز وی نیز هویدا است:

از آنها که خورشیدی فریادشان	دمیید از گلوئی سحرزادشان ۴۲
از چشمه خورشید وضو ساخته اند	سجاده به روی آتش انداخته اند ۱۳۸
خورشید هزار ظهر تابستان را	هنگام غروب خود به بازی نگرفت ۱۴
تو روشن تر ز چشم کهکشانی	زمینی آب روی آسمانی ۱۸۶

اما چنین رزمندگانی در عین داشتن روحیه‌ای لطیف و عرفانی، اراده‌ای آهنین و پولادین نیز دارند و آشنایک به دشمن حمله می‌برند:

آن خاطره سرخ که از یاد گذشت	با خرقه آتش از دل باد گذشت ۱۴
خونین، خونین این دل آزرده ما	دریا، دریا خشم فروخورده ما ۱۵۳
ما آتش محضیم منافی همدار	پولاد از این کوچه به نرمی، گذرد ۱۵۳

در مقابل این عظمت روحانی و شجاعت و اراده محکم، هفت شهر عشق بر گامهای استوار آنان بوسه می‌زند.

و هفت شهر عشق/ بر گام‌های عاشقشان بوسه می‌زند^(۲۰)

شاعر مطرح دیگر قیصر امین پور است. «شعری برای جنگ» از موفق‌ترین اشعار جنگ از اوست. امین پور نیز در اشعار خود به آوردن اغراق علاقه‌ای ندارد، حتی برای رزمندگانی که عاشقانه شکوهمندترین لحظات افتخار آمیز را در صفحات تاریخ به یادگار می‌گذارند.

برای رسیدن به دلیل واقعی این مسئله بحث و تحقیق‌های روانشناسانه و حتی اعتقادی لازم است. نمی‌توان کمبود فضاهای اغراق آمیز را در شعر امین پور و حتی دیگر شاعران انقلاب، به حساب ناآگاهی آنان از فنون ادبی (در حوزه‌های مختلف بیان و معانی و ساخت‌های زبانی و...) و یا ناتوانی از آوردن برخی ابزارهای بیانی در شعر گذاشت. شاید عظمت روح رزمندگان اسلام و شهدای عزیز و بزرگی کار آنان مانع از آن شده که شاعران متعهد به خود اجازه دهند، با



بزرگنمایی شاعرانه آن را مخلوط و ممزوج نمایند. می توان گفت که از لحاظ اعتقادی برای بیان قهرمانی ها و دلاوریها و ایمان خالص رزمندگان نیازی به اغراق و بزرگنمایی نیست. از میان اشعار مربوط به جنگ و دفاع مقدس امین پور، ابیات زیر دارای اغراقند.

که با حضور شما را شهاب لازم نیست (ت ۲۷)
 بر اوج قله های خطر جای پای ما (ت ۳۹)
 شمشیر به آسمان رساندند (ت ۴۱)
 ز خون به روی زمین رنگ دیگری بزنیم (ت ۴۳)
 ای مرگ، تو را چو آب خواهم نوشید (ت ۵۹)
 آرامش تو طعنه به طوفان می زد (ت ۶۳)
 ماندهایم ساید باری گران بر دوش ما (ت ۵۸)
 مدار حوصله هیچ کهکشانی نیست (ت ۱۴۵)
 کورسوی شب تیره را کشت (ت ۱۵۳)
 حکم آغاز طوفان در انگشت (ت ۱۵۴)
 آهن و آتشم دگر، هیچ اثر نمی کند (ت ۳۶) (۳۱)

شب عبور شما را شهاب لازم نیست
 آنک نگاه کن که ز خون نقش بسته است
 شستند به خون شب زمین را
 به اشک خویش بشویم آسمانها را
 گر آتش صد هزار دوزخ باشی
 در بای دلت ساحل اطمینان بود
 ذره ای بود از غبار راه آنها آفتاب
 به حجم تنگدلی های آفتابی من
 تیغ مردان خورشید در مشت
 مه پایان مرداب در دست
 سوخت ز عشقش این جگر، نیست مرا از خود خبر

علاقه‌آمین پور به ترسیم فضای عاطفی در ابیات فوق به طرز آشکاری دیده می‌شود. تعبیرات زیبایی همچون «برگرده گردباد راندن»، «خورشید در مشت داشتن» و... نشان می‌دهد که اگر آمین پور می‌خواست، در این عرصه نیز هنرنمایی کند، می‌توانست سروده‌های زیبا و دلپذیری ارائه کند.

علیرضا قزوه شاعری است که با اشعار انتقادی خویش در عرصه شعر جنگ شناخته شده است. او نیز شاعری حماسه‌سرا نیست. وی نیز مانند اغلب شاعران انقلاب و جنگ، بیش از آن که در پی بیان صعوبت و سختی جنگ باشد، به دنبال ترسیم روحيات ملکوتی و عارفانه رزمندگان است. دلاوری رزمندگان مبنایی عارفانه و عاشقانه دارد. گرچه حماسه آفرینی‌های نوجوانان و جوانان در میدان نبرد همگان را متحیر کرده است، ولی نگاه قزوه بیشتر معطوف به حالات معنوی آنان است تا رفتارهای رزمی. ابزارآلات نظامی و رزمی چه از نوع قدیمی و چه انواع مدرن آن در اغرقهای قزوه نقش گسترده‌ای ندارند. تصویری از این دست که ساده و در عین حال زیبا و جذاب است و رزم و بزم را به یکدیگر پیوند می‌دهد، فراوان نیست.

نمی‌گذارم بمیرید! / چون ابر / چون گلوله و گل خواهم شد / مین می‌شوم /
نارنجک کشیده خورشید می‌شوم. (۳۳)

گلوله، مین و نارنجک نماد میدان رزم و روحیه حماسی و ابر و گل و خورشید که عناصری غنایی هستند، در کنار یکدیگر تصویری پویا و بدیع آفریده‌اند.

در مجموعه از نخلستان تا خیابان پدیده‌هایی بزرگ از جهان هستی را مثل «دریا»، «موج»، «خورشید»، «آتش» و «کهکشان» وسیله‌ای برای نشان دادن عظمت روحانی رزمندگان شده‌اند. این پدیده‌ها در کنار عظمت ذاتی روحیه لطیف، راه روشن و شجاعت رزمندگان را به ذهن می‌آورند.

عزمت صلابت طوفان، خشمگین نشانه دریا ۱۵
شد چاک، پیرهن باد، لرزید نشانه دریا ۱۵
از ما که هم‌کیش موجیم، اینگونه ماندن عجیب است» ۲۰
کم از کرامت دریا نیس، نم پیاله هشیاران ۲۱
هزار سر همه سودایی، هزار دل همه دریایی ۴۱

رفتگی و بار دگر شد، شعرت ترانه دریا
تا موج یاد تو افتا، چون من قرار ز کف داد
«از سنگهای بیابان، خاموش بودن عجب نیست
خوشم به جرعه‌ای از آن می، که در کلام تو می‌جوشد
فدای نرگس مستت باد، هزار زنبق صحرائی

برتر از اسطوره‌های عهد دقیانوسها ۴۴
همسایه دیوار به دیوار شماست ۵۸
پیوسته سکوت هر شبش آتش بود ۵۹
چون شمع، قنوت هر شبش آتش بود ۵۹
خورشید به مشت عاشقان کوچک بود ۵۹

کهکشان در کهکشان اسطوره می‌غلند به خاک
خورشید که در اوج فلک خانه اوست
می‌سوخست که قوت هر شبش آتش بود
این کشته که آفتاب خاکستر اوست
ای کاش در آن صبح ظفر میدیدی

آفتاب / خار و خس مزرعه چشم تو / ۷۲

آبشار / موج فروخته‌ای از خشم تو / ۷۲

و مردانی / با هزار هزار فانوس / از جنوب خدا می‌آمدند! (۳۳)

نگاه اغراق آمیز قزوه در مجموعه «شبلی و آتش» به شدت کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد تغییر نگاه وی به مقوله جنگ در این امر مؤثر باشد. فاصله گرفتن جامعه از فضای جنگ و دفاع مقدس روح قزوه را آزار می‌دهد و این اندوه از درون شاعر به فضای شعرش سرایت می‌کند. مقایسه خود با سفر کردگان و غم و اندوه ماندن، تصویر را نیز از حالت حماسی خارج و آنها را عاطفی کرده است.

دیروز یکی بودم با تو، ولی امروز / تو نورتر از نوری و من گردتر از گرد ۴۱
کنار رود کارون جان سپردی / دو چشمم بعد تو زاینده رود ۵۱

برمی‌گردم / روحم را در سوسنی سپید بیچم / که ناگهان /

درختهای خیابان به سجده می‌افتند! / طوفانی از «بقیع» می‌آید ۹۸

این رنگین کمان / باران خون کیست! ۸۹

عنکبوتی دیوانه می‌بینم / آتش می‌تند / برای صید عقاب! ۷۲ (۳۴)

نگاه عاطفی شاعر به جنگ در تصاویر زیر نیازی به توضیح ندارد. به جز بیت:

«شهیدان سوره والفجر هستند که چون آب از دل آتش گذشتند ۱۲۰»

تصاویر دیگر چندان حماسی به نظر نمی‌رسند:

ما شهیدان جنون بودیم، از عهد قدیم
 همه افکنده بر خورشید سایه
 سنگ قبر ماست دریا، نقش قبر ما نسیم ۱۳۰
 خدا مردان «صباح الهدایه» ۱۱۰
 زمین را صد دهان تهلیل دیدند
 ز همان را صور اسرافیل دیدند ۱۱۰
 به یاد بچه‌های تیپ «قائم»
 دو چشمم چشمه اشک است دائم ۱۲۱

و آن جوان/ که در تک شلمچه دیده بودمش/ از شانهاش هنوز/
 دو رود خون، جاری ست ۱۹۴^(۲۵) (قزوه، ۱۳۸۵)

شیوه‌های ساخت تصاویر اغراق آمیز

شاعران جنگ برای ساخت تصاویر اغراق آمیز از شیوه‌های زیر بهره می‌گیرند.

- ۱- استفاده از پدیده‌های بزرگ جهان هستی: دریا، کوه، خورشید، سیل، شط، آتشفشان، دشت، سپهر، رود و...
- ۲- استفاده از اعداد: صد، هزار، هزار هزار و...
- ۳- استفاده از آن دسته از عناصر طبیعی که سخت و محکم و یا کشنده‌اند: آهن و آتش. طبیعی است که این دو ماده طبیعی به خودی خود اغراق آمیز و خارق‌العاده نیستند اما وقتی به کوه تبدیل شوند تا چه حد غیرطبیعی و مبالغه آمیز می‌شوند.

نتیجه

شعر جنگ و دفاع مقدس که تصویرگر فداکاری ایرانیان در برابر رژیم متجاوز عراق است، با جنگ زاده شد و پایه‌های آن پیش رفت. در دوره جنگ شاعران در پی توصیف و تصویر لحظات ناب خلق شده هستند و چندان در فکر آرایشهای لفظی و معنوی و ایمازهای شعری خود نیستند ولی پس از جنگ در فرصت و مجال پیش آمده، شاعران با فراغ بال بیشتری به سرودن شعر می‌پردازند و شعرها از انسجام بیشتری برخوردار است. بیان حالات عرفانی و ملکوتی رزمندگان و شهدا و تجلیل از آنان مهمترین دغدغه شاعران جنگ می‌باشد. انتقاد از خود و جامعه نیز یکی از ویژگیهای اساسی شعر جنگ است. نکته قابل توجه در زمینه شعر جنگ این است که بیان حالات

عاطفی و عرفانی رزمندگان و شهدا و معنویت و عظمت ذاتی آنان مانع شده تا شاعران به اغراق‌های دور از ذهن پردازند و به همین دلیل از عناصر غنایی و عرفانی برای ساخت تصاویر اغراق‌آمیز بهره می‌گیرند و از همین روی با تلفیق حماسه و غنا پایه‌گذار نوع ادبی جدیدی می‌شوند.



تعلیقات:

- (۱)- صدام در سخنرانی شروع جنگ در جمع فرماندهان نظامی خود چنین پیش‌بینی کرده بود.
- (۲)- شاهنامه ص ۱۹۴
- (۳)- اکبری، ۱۳۷۱، ص ۱۷
- (۴)- گلمرادی، ۱۳۸۰، ص ۱۲
- (۵)- نمونه‌های برجسته و بارز این توصیف‌ها را در شاهنامه فردوسی و دیگر کتابهای حماسی می‌توان دید.
- (۶)- حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۵
- (۷)- همان، ص ۱۳

- (۸) - همان، ص ۱۳
- (۹) - حسین پورچافی، علی. ۱۳۸۴. ص ۳۴۷
- (۱۰) - حسن لی، کاووس. ۱۳۸۳. ص ۶۵
- (۱۱) - امین پور، قیصر. ۱۳۸۴. ص ۳۷۹
- (۱۲) - از شعارهای اساسی مردم در زمان جنگ.
- (۱۳) - (حسین پور، همان، ص ۲۲)
- (۱۴) - امیری، ۱۳۷۴، ص ۱۰
- (۱۵) - هراتی، ۱۳۸۷، ص ۹۷
- (۱۶) - قزوه، ۱۳۸۵، ص ۱۳۳
- (۱۷) - صور خیال در شعر فارسی ص ۱۳۸
- (۱۸) - سمند صاعقه (عدد مقابل ابیات شماره صفحات کتاب است).
- (۱۹) - مست برخاستگان، مردانی
- (۲۰) - اشعار از دو مجموعه شعر «هم صدا با حلق اسماعیل» و «سفرنامه گردباد» برگرفته شده‌اند. (عدد مقابل اشعار شماره صفحه کتاب اول است و اشعار سفرنامه گردباد با حرف (س) نشان داده شده‌اند.
- (۲۱) - برای سهولت در ارجاع از علائم اختصاری به ترتیب زیر برای مجموعه شعرهای امین پور در نظر گرفته شده است: ا «آینه‌های ناگهان»، ت «تنفس صبح» - گ «گلها همه آفتابگردانند» - م «مثل چشمه مثل رود» - د «دستور زبان عشق»
- (۲۲) - قزوه، ۱۳۷۳، ص ۸۹
- (۲۳) - قزوه، ۱۳۷۲
- (۲۴) - قزوه، ۱۳۷۳
- (۲۵) - قزوه، ۱۳۸۵ (عدد مقابل اشعار، شماره صفحه کتاب است).

منابع:

۱. اکبری، منوچهر. نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی - بخش اول، شعر - جلد اول، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۲. امیری، وحید. الفبای باران، تهران، دفتر شعر جوان، چاپ اول ۱۳۷۴.
۳. امین‌پور، قیصر. آینه‌های ناگهان، تهران، نشر افق، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۴. _____، تنفس صبح، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۵. _____، دستور زبان عشق، تهران، انتشارات مروارید، چاپ هشتم، ۱۳۸۷.
۶. _____، سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۷. _____، گلها همه آفتابگردانند، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دهم، ۱۳۸۷.
۸. _____، مثل چشمه، مثل رود، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۹. حسینی، سید حسن، سفرنامه گردباد، تهران، انجمن شاعران ایران، چاپ دوم ۱۳۸۸.
۱۰. _____، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۱. _____، هم صدا با حلق اسماعیل، تهران، انتشارات سوره مهر، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۱۲. حسن لی، کاووس. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۳.
۱۳. حسین پورچافی، علی. جریان‌های شعری معاصر از کودتا (۱۳۳۲) تا انقلاب (۱۳۵۷) تهران، انتشارات امیرکبیر. ۱۳۸۴
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه، چاپ یازدهم، ۱۳۸۶.
۱۵. قزو، علیرضا، از نخلستان تا خیابان، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۱۶. _____، شبلی و آتش، قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی محراب اندیشه، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۱۷. _____، قطار اندیمشک و ترانه‌های جنگ، تهران، نشر لوح زرین، چاپ دوم ۱۳۸۵.
۱۸. فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه، براساس نسخه مسکو، تهران، نشر پیمان، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
۱۹. گلمرادی، شیرینعلی. شهادت و پرواز، تهران، نشرشاهد، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۰. مردانی، نصرالله. سمنند صاعقه، تهران، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۲۱. _____، عشق می‌گوید، تهران، مؤسسه انجمن قلم ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۲. _____، مست برخاستگان، تهران، نشر تکا، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۳. هراتی، سلمان. مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران، دفتر شعر جوان، چاپ سوم.